

اوضاع زنان ایرانی از دیروز تا امروز-

ام سلمه
دانشجوی دکتری
به گروه زبان و ادبیات فارسی،
دانشگاه کشمیر، سرینگر

چکیده:

در طول تاریخ بشریت زنان هم هم پله مردها بوده اند، و تمام کتاب های آسمانی و سرود های مذهبی بخوبی جایگاه وی را شامل کرده اند. تاریخ زنان در ایران از دوره هخامنشیان آغاز می شود، اما آثاری از آن را می توان از دوره ماد دیده می شود زیرا مردم ماد ایزد بانویی به نام اناهیتا را می پرستیدند و سپس این عمل تا دوره هخامنشیان و اشکانیان ادامه یافت. بدنه این مقاله به بررسی مسائل زنان در ایران معاصر می پردازد. موضوع از آزادی شخصی، برابری جنسیتی، اولویت تاریخی و تمایل به تضییع مسالمت آمیز متغیر است. تاریخ ایران به طور کلی به دو بخش قبل از اسلام و دوران اسلامی تقسیم می شود. دوران معاصر نیز بین زمان سلطنت پهلوی از ۱۹۲۱ تا ۱۹۷۹ و جمهوری اسلامی ایران از انقلاب ۱۹۷۹ تقسیم شده است. مردم در بیشتر تاریخ ایران از نظر نقش خانوادگی، اعمال مذهبی و حقوق قانونی بر اساس جنسیت تقسیم شده اند. این مقاله به بررسی و کشف تقسیمات درون جامعه به عنوان یک کل، تقسیم بندی گروه های مردم، خانواده ها و در نهایت ماهیت اسکیزوفرنی هویت تحمیل شده بر افراد می پردازد.

موضوع این مقاله "تاریخ زن در ایران: از ابتدا تا دوره حاضر و بعد" بست که به سیر ادواری تاریخ ایران در طول هزاره ها به ویژه نقش زن اشاره دارد. سفر با برخی از نخستین تمدن های روی زمین، از طریق امپراتوری هخامنشی، اشکانی و ساسانی و انتقال اسلامی، به سلسله پهلوی در اوایل قرن بیستم با سکولاریسم غربی، و در نهایت به دوران پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ آغاز می شود.

واژه های کلیدی: باستان، اسلام، حقوق زن، فمینیسم، انقلاب، جامعه، اقتصاد، سیاست، حجاب، قانون.

قبل از اسلام

تاریخ ایران به دو بخش تقسیم شده است "قبل از اسلام"، و "بعد از اسلام". تاریخ "قبل از اسلام" از دوره بهخامنشی حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد آغاز شد. بسیاری از درک این دوره از تاریخ یونان می آید. آنچه از این دوران باقی مانده در قالب هنر و مجسمه سازی است که موجودات اسطوره ای را به تصویر می کشد که معمولا مردان و سربازان را نیز نشان می دهد. زبان ها، آداب و رسوم و مذاهب این جوامع در امپراتوری گنجانیده شد. که از لیبی امروزی به هند می رسید. با این رشد، درک دقیق تری از تاریخ، به ویژه در مورد وضعیت زنان در جامعه حاصل شد.

وضعیت زن در دوره هخامنشی: اوایل دوران هخامنشی استحکامات و الواح خزانه تخت جمشید به زنان در سه اصطلاح مختلف اطلاق می شود: موتو، ارتی و دکسس. اولی به زنان عادی {غیر سلطنتی} اشاره دارد، دوم به اعضای مجرد خانواده سلطنتی و آخرین یعنی دکسس مربوط به زنان متاهل سلطنتی است. چنین اصطلاحات متفاوتی نشان دهنده اهمیت وضعیت تاهل و رابطه زن با پادشاه است. علاوه بر این فقط زنان سلطنتی حق کسب علم و اسب سواری و شرکت در مهمانی های سلطنتی داشتند. قبل از ظهور امپراتوری هخامنشی، زنان ایرانی نیاز به داشتن حجاب نبودند که به عنوان نماد احترام به زنان و شاخص موقعیت اجتماعی به کار می رفت.

زنان اولیه هخامنشی بیشتر درگیر امور مدنی بودند، اما مشارکت آنها در سبک زندگی شهری همچنان برای بسیار از اعضای جامعه تعجب آور بود. بر اساس روایات یونانی، زنان در امپراتوری هخامنشی در امور دولتی در نقشی تابع مردان شرکت می کردند. در اواخر امپراتوری هخامنشی، زنان به تدریج بیشتر نفوذ عمومی خود را از دست دادند، زیرا جمعیت افزایش یافت، تجارت تخصص تر شد، شهرها گسترش یافتند و روحانیت یا کشیشی قدرت یافت. با گسترش

زندگی شهری، زنان به تدریج در خانه ماندند تا بر تولید و تربیت فرزندان تمرکز کنند و به تدریج محدود شدن زنان در امور عمومی عادی شد. مرتضی راوندی در کتاب خودش "تاریخ اجتماعی ایران" در ضمن دوره هخامنشی می نویسد "از فعالیتها و تکالیف روزانه زنان عهد هخامنشی اطلاع کافی نداریم، ولی گزنفون و ظایف یک زن آتی را تقریباً در همان دوران ضمن بیان نصایحی که شوهری به زن خود می دهد چنین روایت می کند:

نجابت زن در خانه نشستن است نه به درو بیرون رفتن، و روسیاهی مرد از دنبال کار نرفتن است و در خانه ماندن. پس تو باید در خانه بمانی، همراه خدمتکارانی که ما مورکارهای بیرون هستند کس بفرستی و بر آنها که در خانه کاری کنند مراقبت نمایی، هرچه می آید تحویل بگیری، آنچه مصرف شود قسمت کنی، هرچه زاید ماند مواظب باشی که اگر یکساله است در یک ماه خرج نشود. چون پشم آوردند، به جهت کسانی لباس تهیه کنی که لازم دارند. بعلاوه باید مواظبت کنی که میوه های خشک خوراکی باشد... اگر از بندگان تو کسی ناخوش شد و افتاد باید به مداوای او پردازی."

وضعیت زن بعد از ظهور دین زرتشتی: دین زرتشتی که پایه ارزش های اخلاقی امپراتوری هخامنشی اخیر شد. کتاب دینی آنها اوستا بود که در آن نوشته شده است که مردان ارزش بیشتری نسبت به زنان داشتند. زنان مشمول وظایف کشاورزی مانند کاشت بذر، برداشت بودن، اما مهمترین نقش آنها در ارتباط بطن جامعه، بچه دار شدن بود. مردان مناصب اقتدار مانند کشیشان، جنگجویان و مناصب عالی را در سلسله مراتب مذهبی جدید حکومت حفظ کردند. برای زنان، تولید مردان جوان آماده برای انجام وظایف مدنی و نظامی، بخشی از آموزه های اخلاقی اوستا بود. تصور می شد که زنان در دوران قاعدگی یا پس از زایمان توسط روح شیطانی تسخیر شده اند. و آنها را به اتاق هایی که دسترس به آسمان، ماه، آب، آتش و اشیا مقدس نداشتند، محدود می کردند، زیرا از ترس اینکه نجس بودند آنها مانند سعی از سوی شیاطین باشد. این منطق پشت دلیل حذف زنان از ریاست بر مناسک دینی بود.

وضعیت اجتماعی زن در دوره اشکانی: پس از شکست هخامنشیان، وضعیت اجتماعی زنان ایرانی تغییر کرد و پایین آمد. زیرا در زمان سلوکی ها، زنان و دختران زیادی از یونان در ایران زندگی می کردند و چون در یونان زنان از حقوق برابر با مردان برخوردار نبودند، بنابراین در جایگاه و زندگی زنان ایرانی تاثیر داشت. به دلیل گستردگی قلمرو و اقوام و ملل مختلف با آداب و رسوم خاص خود زندگی می کردند که طبیعتاً این عوامل و دگرگونی ها تاثیری در جایگاه و موقعیت زن نداشت.

زن در دوره ساسانی: ما می دانیم که دین زرتشتی گسترش یافته و کلاس مذهبی قوی تر شد. با فراگیرتر شدن مذهب، زنان سلطنتی امتیازات خود را حفظ کردند و با مردان سلسله برابر شدند. دو زن از این دوره، پورندوخت{-۶۳۰} ۶۳۱ و آذرمدوخت{-۶۳۲-۶۳۱}، دختران خسرو دوم، موقتاً بر تخت سلطنت نشستند. منطقه آنها عمر کوتاهی داشت، زیرا که پانث زرتشتی مخالف آن بود. حکومت آنها فقط به دلیل نداشتن وارث مرد بالغ پذیرفته شد. با توجه به آموزه های دینی و نوشته های حقوقی اواخر دوره ساسانی، زنان موقعیت کمتری در جامعه داشتند و زنان نخبه برای درامان ماندن از مردان غیرنخبه چادر می پوشیدند. زنان روستایی و فقیرتر شهری به دلایل اقتصادی مجبور بودند با مردان کارکنند. در تاریخ، ارث همیشه یکی از راه های کسب ثروت بوده است. تقسیم ارث در حقوق ساسانی به این صورت بود که پادشازن یعنی زن اول و پسرانش هرکدام از ارث مساوی بودند و اگر دختران شوهر نداشتند نصف سهم برادران خود را به ارث می بردند. اما زن دوم و فرزندان سهمی از ارث نداشتند اما غالباً مردان در زمان حیات سهمی برای زن دوم و فرزندان قائل بودند و پرداخت می کردند یا در وصیت نامه قید می کردند.

زن در دوره بعد از اسلام

دوره پس از اسلام در ایران در زمان امپراتوری ساسانی آغاز می شود، زمانی که ارتش مسلمان عرب، ایران را فتح کرد. در این دوره از آغاز اسلام در ایران تا قرن بیستم استثناً وجود داشت در قرن شانزدهم سلسله صفویه قدرت گرفتند. و

زنان در خانواده های سلطنتی جای پای در امور دولتی به دست آوردند. مانند دوره هخامنشی و اوایل ساسانی، زنان دوباره می توانستند اموال خود را اداره کنند و به فعالیت های فرهنگی بپردازند. این امتیازات تا اوایل قرن هیجدهم با ظهور سلسله قاجار ادامه داشت.

وضعیت زن در دوره قاجاری: در دوره قاجار، زنان کاری کردند که در اقتصاد مهم بود. کارهای آنها برای خانواده شان، صاحب کسب و دولت بسیار مفید بود. زنان روستایی و طبقه پایین بیشتر به قالی بافی، گدوزی و تولید لباس اشتغال داشتند. زنان که در این دوره زمانی در نساجی کاری کردند به طور متوسط یک سوم در آمد مردان را به دست آوردند. آنها حقوق زیادی نداشتند.

این دوره زمانی، به ویژه بین سال های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱، آغاز بیداری زنان در ایران بود. می توان گفت که این بیداری را می توان جنبش زنان و فمینیسم تعریف کرد. زنان بیشتر درگیر حوزه عمومی شدند. و در دوران قاجار بود که نهضت استقلال آغاز شد که زنان در آن مشارکت فعال داشتند. زنی به نام سیما بهار در مقاله ای با عنوان "پیشینه تاریخی جنبش زنان در ایران" نوشت که " دوره انقلاب مشروطه اولین باری بود که زنان با مردان در کنش عمومی شرکت کردند".

وضعیت زن در دوره پهلوی: شاهان پهلوی بین سال های ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۹ میلادی حاکمان ایران بودند و اصلاحات زیادی در زمینه حقوق زنان انجام دادند. نمونه ای از اصلاحات اولیه که توسط رضا شاه ارائه شد، "کشف حجاب" یعنی بی حجابی اجباری زنان با فرمانی خاص بود که همانطور که از نامش پیداست، نیروی انتظامی حتی از زنان مذهبی به زور حجاب را بر می داشت باوجود اینکه این عمل مورد قدردانی نبود، زیرا آزادی مذهبی را نقض داد، برخی از محققان آن را یک پیشرفت نامیدند یا یک بهبود می دانند. علاوه بر این در زمان جانشینی رضا شاه، محمد رضا شاه، اصلاحات مهم دیگری انجام شد. به عنوان مثال، در سال ۱۹۶۳، شاه به زنان حق رای داد و اندکی پس از آن

زنان به مجلس راه یافتند و به عنوان قاضی و وزیر در کابینه منصوب شدند. از این رو شاهان پهلوی تغییرات اجتماعی، مالی و سیاسی متعددی را ارائه کرد و در نهایت چارچوب دولت ایران را که تا سال ۱۹۷۹ ادامه داشت، ایجاد کرد. جنبش حقوق زنان در ایران: همانطور که قبلاً اشاره کردم که آغاز بیداری زنان در ایران بین سال های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱ بود. جنبش حقوق زنان ایران، جنبش اجتماعی برای حقوق زنان در ایران است. این جنبش اولین بار پس از انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۹۱۰ ظهور کرد، سالی که اولین نشریه زنانه توسط زنان منتشر شد. در سال ۱۹۱۰ مجله ای به نام "دانش" به عنوان کمپین حقوق زنان منتشر شد که در آن مقالاتی درباره آگاهی زنان چاپ می شد. پس از آن مجلات بیشتری مانند "شگوفه"، "زبان زنان"، "نامه بانوان" و غیره منتشر شدند. نهضت سال ۱۹۳۳ ادامه داشت تا اینکه آخرین انجمن زنان توسط حکومت رضا شاه پهلوی منحل شد. پس از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ دوباره رشد کرد. بین سال های ۱۹۶۲ و ۱۹۷۸، جنبش زنان ایران به پیروزی هایی مانند حق رای زنان در سال ۱۹۶۳، بخش از انقلاب سفید محمد رضا شاه، دست یافت. زنان همچنین مجاز به شرکت در مناصب دولتی بودند و در سال ۱۹۷۵ قانون حمایت از خانواده حقوق جدیدی را برای زنان فراهم کرد، از جمله گسترش حقوق طلاق و حضانت و کاهش تعدد زوجات. از زمان انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، حقوق زنان محدود شد و قوانین متعددی مانند وضع حجاب اجباری و قانون پوشش عمومی برای زنان وضع شد.

وضعیت زن بعد از انقلاب: زنان ایرانی با ظهور انقلاب اسلام متحول شدند. او هر روز به سوی شکامل و کمال جدیدی پیش می رفت و در کوره انقلاب قوی ترمی شد. در دوران پس از انقلاب، زنان ایرانی در برخی زمینه ها فرصت های بیشتری داشته اند و در برخی دیگر محدودیت های بیشتری داشته اند. یکی از ویژگی های بارز انقلاب، مشارکت گسترده زنان با پیشینه سنتی در تظاهرات منتهی به سرنگونی سلطنت بود. فرهنگ آموزش زنان در زمان انقلاب شکل گرفت به طوری که حتی پس از انقلاب نیز تعداد زیادی از زنان وارد خدمات کشوری و

آموزش عالی شدند. حتی در اوج جنگ ایران عراق، زنان بخش بزرگی از نیروی کار خانگی را تشکیل می دادند و جایگزین مردانی شدند که در حال جنگ، مجروح یا کشته شده بودند.

وضعیت زن در دوره حاضر و بعد: انقلاب ۱۹۷۹ از تمایل روزافزون برای آزادی مذهبی متولد شد، اما بسیاری احساس کردند که توسط نهاد شریعت خیانت شده است. زنان بار دیگر به عنوان شهروندان درجه دوم رفتار می شوند، مشابه دارایی مردان، و در معرض برخورد بسیار خشن برای نقش این قوانین از جمله سنگسار عمومی. توجه به این نکته حائز اهمیت است که بسیاری از قوانین وضع شده در کشورهایی که شریعت را رعایت می کنند، مستقیماً از قرآن سرچشمه نمی گیرند و تفسیر مقصود از قوانین قرآنی نه تنها بین کشورها، بلکه بر اساس جمعیت در داخل کشورها نیز متفاوت است. در ایران رهبری خمینی به بسیاری از مسائل بحث برانگیز برای زنان منجر شد. زنان در حوزه های خاصی تفوذ زیادی به دست آوردند، اما همچنان با موانع سیاسی زیادی برای برابری با مردان مواجه بودند. به خدمت در ارتش، اغلب در گروه های شبه نظامی بودند، اما در بسیار از رشته های تحصیلی در مورسه محدودیت داشتند. پس از جنگ ایران و عراق، زنان همچنان به قدرت سیاسی دست یافتند. زنان هم در خط مقدم و هم در خانه در محل کار بسیج می شدند. آنها در نقش های اساسی پیاده نظام و همچنین در برنامه های اطلاعاتی و مبارزات سیاسی شرکت داشتند. در اوج جنگ ایران و عراق، زنان بخش عمده ای از نیروی کار خانگی را تشکیل می دادند و جایگزین مردانی شدند که در جنگ مجروح یا کشته شدند.

جنگال از زمانی شروع شد که وقتی آیت الله خمینی نقل کرد که وی ترجیح می دهد زنان را با لباس اسلامی متواضع ببیند، این موضوع موجب اختلاف بین زنان شد. در سال ۱۹۸۱ حجاب اجباری شد و تولید لوازم آرایش حرام و ممنوع و پروانه های ساخت آن ها باطل اعلام شد، همچنین مجازات های سنگین

توسط پلیس اخلاق از جمله برداشتن رژلب توسط تیغ اعمال شد. محدودیت خانه یک قلمرو خصوصی سنتی برای زن ایجاد می کند در حالی که آزادی بیرون رفتن یک حضور اجتماعی مدرن ایجاد می کند. جمهوری اسلامی هرگز قصد نداشت زنان را عمداً به خانه و انجام وظایف زنانه و مادرانه محدود کند، اما این امر در جنبه مذهبی جمهوری انجام شد. پس از انقلاب ایران در فوریه ۱۹۷۹، وضعیت زنان به طور اساسی تغییر کرد. مشارکت گسترده زنان در انقلاب ۱۹۷۸-۷۹ تا حدی نتیجه تلاش های بسیج سازمان های زنان در دهه های قبل از در اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۷۰ بود. بلافاصله پس از انقلاب، زمزمه های مبنی بر طرح حجاب اجباری و لغو برخی حقوق زنان که با "قانون حمایت از خانواده" محفوظ مانده بود به گوش رسید که "مخالف اسلام" تصور می شد. این شایعات توسط برخی مقامات دولتی تکذیب شد و بسیاری از زنان از پذیرش آخود داری کردند. با این حال، مدتی نگذشت که این شایعات محقق شد. قانون جدید خانواده لغو شد و حجاب اجباری شد. فرخرو پارسا، اولین زنی که در کابینه ایران خدمت کرد، اعدام شد. قانون حجاب با اعتراضاتی روبرو شد که گروه های ناهمگونی از زنان را در برمی گرفت. زیرا برای بسیاری از زنان جوان مسئله حجاب محبوبیت پیدا کرد. می دانیم که بعد از انقلاب حجاب اجباری شد و مسائل و اعتراضات به حجاب به عنوان مقاومت در برابر رژیم اسلامی نمادین شد. که هرازگاهی اعتراضاتی به آن صورت گرفته است. و اکنون مرگ مهسا امینی به دست پلیس اخلاق ایران رخ داد. امینی طبق قانون روسری به سر نداشت و دستگیر شد. او توسط پلیس مورد ضرب و ستم شدید قرار گرفت و در ۲۵ شهریور ۲۰۲۲ در بیمارستان جان باخت. مرگ او باعث آغاز یک سری اعتراضات در ایران شد. در جریان تظاهرات، پلیس در حال حمله به معترضان دیده شد. معلوم نیست این جنگ تا کی ادامه خواهد داشت و چه زمانی زنان ایران به عدالت خواهد رسید

منابع:

۱. ساناساریان، الیز (۱۳۸۴)، جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷)، تهران: نشر اختران
 ۲. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۵۴
 ۳. تحلیل جامعه شناختی حقوق زن در دوره ی ساسانی- مزگان وثوق بنایی
 ۴. دکتر اکرم جودی، تاملی بر مفهوم حجاب در ادیان الهی، ناشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم، ۱۳۸۹، تهران
 ۵. ساره نظیری، روزگار زنان در سلسله های ایرانی، خرداد، ۱۳۹۵
 ۶. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماع ایران، جلد اول، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۴
 ۷. یوسف پیل بالا، آزادی زن یا اصالت زن، انتشارات زانکو
 ۸. می و پنج سال در حجاب، نقض گسترده حقوق زنان در ایران-
 ۹. زاده، دکتر علی کاظم زاده، تفاوت حقوق زن و مرد، چاپ سوم، زمستان، ۱۳۹۱
 ۱۰. ساناساریان، الیز (۱۳۶۱)، جنبش های حقوق زنان در ایران، نیویورک، پراگر، شابک-
 ۱۱. سید علی رضا میرکمالی و سحر صالح احمدی، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنون، جلد دوم، چاپ ۴، گالوس، ۱۴۰۰-
 ۱۲. دکتر جلیل دوست خواه، اوستا، کهن ترین سرودها و متن های ایرانی، تهران، مروارید، ۱۳۷۴-
 ۱۳. دکتر شریعتی، زن، تهران، ۱۳۶۸-
 ۱۴. دکتر منصوره اتحادیه، دکتر شیرین بیانی و دیگران، مجموعه مقالات، زن در تاریخ ایران معاصر
- منابع انگلیسی

6. Afary, Janet, *The Iranian Constitutional Revolution, 1906 – 1911*, Columbia University Press, 1996.
7. Osanloo, Arezoo, *Whence the Law: Politics of 'Women's Rights,' Regime Change and the Vestiges of Reform in the Islamic Republic of Iran*, *Radical History Review*, Issue 101: 42-58, Spring 2008.
8. Touraj Daryaee, "Iranian Studies (2): Women in Ancient Persia," *Bukhara*, Vol.2, No. 12, June 2000.
9. Esfandiari, Haleh (2004), *The Role of Women Members of Parliament, 1963-88 in women in Iran from 1800 to the Islamic Republic* Lois Beck and Guit Nashat. University of Illinois Press.